

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

صحابه نفرین شده

عادل اند؟!

اسفند ۱۳۸۶

۱۲ صفر المظفر ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾^(۱).

مسلماً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت از او پیروی کردند، نمود، بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها، از حق منحرف شود و از میدان جنگ باز گردند، سپس خداوند توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است.

توبه صحابه و عدالت آنان؛

تاکنون برخی از ادله و آیات مورد استناد برای عدالت جمیع صحابه رسول الله ﷺ از سوی اهل سنت را بررسی و نقد نمودیم. از جمله آیات دیگری که

۱-سوره توبه، آیه ۱۱۷.

اهل سنت برای اثبات عدالت صحابه به آن استناد می‌کنند. آیه ۱۱۷ سوره توبه می‌باشد. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾.

مسئلاً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت از او پیروی کردند، نمود، بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها، از حق منحرف شود و از میدان جنگ باز گردند، سپس خداوند توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است.

کیفیت استدلال اهل سنت به آیه فوق این گونه است که، وقتی خداوند متعال توبه جماعتی را بپذیرد طبعاً آن گروه مشمول لطف و عنایت خاص خداوند سبحان قرار می‌گیرند و از تمام پلیدیها پاک و تطهیر می‌شوند و گناهی در پرونده آنها باقی نخواهد ماند؛ در نتیجه چنین انسانهایی عادل و منزّه از هر گناهی خواهند بود.

در آیه فوق، خداوند متعال صریحاً رحمت خود را شامل حال مهاجرین و انصاری که پیامبر ﷺ را در سختی‌ها یاری کردند، می‌فرماید؛ بنابراین تمامی صحابه مورد رحمت و عفو پروردگار قرار گرفته‌اند و همه آنان عادل و منزّه از هر گناهی هستند.

تأملی در معنا و مفهوم توبه؛

پیش از بررسی و نقد این استدلال باید در رابطه با معنا و مفهوم توبه اندکی تأمل نمود. واژه «توبه» در این آیه دو بار تکرار شده است. دقت در این واژه که خود بحثی اخلاقی و تربیتی می‌باشد راهگشای مناسبی در نقد استدلال اهل سنت می‌باشد.

«توبه» در لغت به معنای رجوع و بازگشت است^(۱). اگر بنده‌ای از گناه توبه کند؛ یعنی دست از گناه برداشته و به سوی خداوند باز گشته است. اهل معرفت در این زمینه می‌گویند:

«رجوع العبد عن حالة المعصية إلى حالة الطاعة»^(۲).

بازگشت بنده از مخالفت (معصیت) با فرامین الهی به سوی موافقت (اطاعت) و گردن نهادن به آن.

برای کسی که قصد توبه کردن دارد دانستن دو نکته ضروریست؛

- ۱- باید گناه را بشناسد و بداند چه عملی گناه و مورد نهی واقع شده است؛ لذا تا انسان نداند چه عملی مخالفت با پروردگار است از مرز گناه بی اطلاع است؛ در نتیجه چون خود را واقع در گناه نمی‌داند توبه هم نمی‌کند.
 - ۲- باید به آثار و عواقب گناه آگاه باشد؛ فرد گناهکار باید بداند، در صورت فرمان شکنی چه آثار و عواقبی بر زندگی دنیوی و اخروی او مترتب می‌شود.
- نخستین مناجات از مناجاتهای پانزده گانه امام سجّاد علیه السلام «مناجات

۱- تفسیر غریب القرآن، صفحه ۸۷.

۲- احکام القرآن محیی الدین ابن عربی، جلد ۱ صفحه ۲۳۷.

تائبین» نام دارد که حاوی نکات بسیار لطیفی می‌باشد^(۱). امام علیه السلام در این نیایش برخی از آثار و عوارض گناه را بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

«إِلَهِي أَلْبَسْتَنِي الْخَطِيئَةَ يَا تَوَّابٌ مَدَّلْتَنِي وَجَلَّلْتَنِي التَّبَاعُ مِنْكَ لِبَاسٍ مَسْكُونَتِي وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمٌ جِنَايَتِي»^(۲).

پروردگارا! گناهان لباس خواری به من پوشانده و دوری از تو لباس

بیچارگی بر تنم کرده است و بزرگی گناهان قلبم را مرده ساخته.

امام سجاد علیه السلام در این نیایش، برای گناه سه اثر مهم بر می‌شمارند؛

الف: لباس مرتب و پاکیزه موجب اعتبار و عزت شخص می‌باشد اما لباس

آلوده و پاره، نه تنها ساتر نیست و عیبهای بدن را نمی‌پوشاند بلکه انسان را خوار

و ذلیل می‌کند. گناه همچون لباس مندرس و آلوده‌ای می‌باشد که گناهکار بر تن

کرده و موجب خواری و ذلت او می‌گردد.

ب: گناه موجب دوری و بُعد انسان از مقام قرب الهی به نهایت فقر و

مسکنت است.

ج: گناه موجب دل مردگی می‌گردد. هر موجود زنده علائم و نشانه‌هایی

دارد. از جمله آن که نیاز به غذا دارد و از خوردن آن لذت می‌برد و رشد می‌کند.

فرزند خردسال نیاز به تغذیه دارد. از شیر مادر تغذیه می‌کند و از آن لذت می‌برد و

رشد می‌کند. انسانی که با خداوند متعال انس گرفته و با طاعت و عبادت پیوند

خورده است، مناجات و نیایش با خداوند سبحان را برای خود مانند تغذیه‌ای

می‌داند که از آن لذت می‌برد و سرخوش می‌گردد. اما گناه موجب مرگ قلب

۱- شرح این مناجات از حضرت استاد دام ظلّه در حال آماده شدن برای چاپ می‌باشد.

۲- مفاتیح الجنان، مناجات خمسة عشر، مناجات التائبین.

می‌گردد. چنین انسانی دیگر میل و رغبتی به عبادت ندارد و اگر از ترس جهنم نمازی بخواند هرگز از آن سر مست نمی‌گردد و لذت نمی‌برد^(۱). به طور خلاصه گناه، فرد را دل مرده می‌کند و لذت و شیرینی گفتگو و مناجات با خداوند را سلب می‌کند.

شخصی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد:

« إِنِّي قَدْ حَرَمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ؛

من از خواندن نماز شب محروم شده‌ام.

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

« أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ »^(۲).

تو مردی هستی که اسیر گناهانت شده‌ای.

در روایت دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام انباشته شدن گناهان را از عوامل دل مردگی معرفی می‌کنند^(۳).

گناهان دارای آثار و عوارض گوناگونی می‌باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام به

همین آثار اشاره دارند و می‌فرمایند:

« اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَمِيتُ الْقَلْبَ »^(۴).

پروردگارا! طلب عفو می‌کنم از هر گناهی که موجب دل مردگی می‌گردد.

۱- به قول شاعر:

غیر از خدا که هرگز در فکر آن نبودی هر چیزی که از تو گم شد وقت نماز پیداست

۲- کافی، جلد ۳ صفحه ۱۵۰.

۳- عیون الحکم، والمواعظ، صفحه ۷۳.

۴- بحار الانوار، جلد ۸۴ صفحه ۳۳۴.

همچنین در دعای کمیل می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ
النِّعَمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَيِّرُ النِّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
تَحْبِسُ الدُّعَاءَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ ...»^(۱).

پروردگارا! بیامرز بر من گناهایی که پاره می‌کند مهارهای بازدارنده از
گناه را، خداوندا! بیامرز بر من گناهایی که نازل می‌کند عذاب را،
پروردگارا! بیامرز بر من گناهایی که تغییر می‌دهد نعمت را،
خداوندا! بیامرز بر من گناهایی که حبس می‌کند دعا را، پروردگارا!
بیامرز بر من گناهایی که نازل می‌کند گرفتاری را.

هنگامی که گناهکار به وسیله انجام گناهان دل مرده شود از راه مستقیم و
حصار الهی خارج می‌گردد؛ زیرا شرط قرار گرفتن در مسیر صراط مستقیم چنگ
زدن و تمسک به خداوند متعال است و چنین شرطی با گناه و نافرمانی قابل جمع
نیست.

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۲).

و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست هدایت شده است.

شرایط توبه از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام؛

در روایتی آمده است فردی در محضر امیرالمؤمنین علیه السلام استغفار کرد،

۱- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به او فرمودند:

« ثكلتك أمك ، أتدري ما الاستغفار ؟ الاستغفار درجة العليين ، وهو اسم

واقع علی سته معانٍ ؛:

مادر به عزایت بنشیند . آیا می دانی استغفار (طلب بخشش) چیست ؟
استغفار درجه انسانهای نایل به مقام علیین است و این کلمه اسمی
است که شش معنا دارد .

أولها الندم على ما مضى ، والثاني العزم على ترك العود إليه أبداً ؛

اول پشیمانی از آنچه گذشته ، دوم تصمیم همیشگی برای برنگشتن به
سمت گناه .

الثالث أن تودّي إلى المخلوقين حقوقهم حتى تلقي الله أملك ليس عليك
تبعة ؛

سوم ، حقوق مخلوقات را به خود آنان برگردانی . تا در کمال پاکی خدا
را دیدار کنی و بار هیچ گناهی را بر دوش خود نکشی .

الرابع أن تعمد إلى كل فريضة عليك ضيعتها فتودّي حقها ؛

چهارم درباره هر تکلیفی که برای تو لازم الاجرا بوده دقت نمایی و
حق آنچه را که ضایع کرده ای ادا کنی .

الخامس أن تعمد إلى اللحم الذي نبت على السحت فتذيبه بالأحزان حتى
تلصق الجلد بالعظم وينشأ بينهما لحم جديد ؛

پنجم ، گوشتی را که از حرام در بدنت روئیده است ، با اندوه پشیمانی
ذوب کنی تا پوست بر استخوان بچسبد و گوشت تازه ای ما بین آنها
بروید .

والسّادس أن تذييق الجسم ألم الطّاعة كما أذقته حلاوة المعصية فعند ذلك تقول «استغفر الله»^(۱).

ششم این که سختی اطاعت را بر جسمت بچشانی همان گونه که شیرینی گناه را بر آن چشانده‌ای در این موقع است که می‌توانی بگویی «استغفر الله».

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«من استغفر بلسانه ولم يندم بقلبه فقد استهزء بنفسه»^(۲).

هر کس با زبان طلب عفو کند اما در دل پشیمان نگردد، به درستی که خود را مسخره کرده است.

نقد استدلال اهل سنت

الف: عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛

حال که در معنا و مفهوم توبه تأمل نمودیم به بررسی صحّت و سقم استدلال اهل سنت می‌پردازیم. نخستین پرسش از نظریه پردازان عدالت صحابه این است که منظور از واژه توبه در آیه مورد استدلال چیست؟ آیا از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گناهی صادر شده است و توبه حضرت، توبه از گناه و نافرمانی است؟! آیا یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بابت نافرمانی خود، توبه کرده و خداوند متعال توبه او را پذیرفته است؟!؛

شیعیان قائل به عصمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در تمام شئون زندگی هستند؛

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۴۱۷.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۵ صفحه ۳۵۶.

بنابر این از نظر آنان هیچ گناهی از پیامبر ﷺ سر نمی‌زند اهل تسنن اعتقادی همانند شیعیان ندارند با این حال پیامبر ﷺ در دریافت و ابلاغ وحی معصوم می‌دانند و می‌گویند پس از نزول آیه

﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾^(۱).

تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد.

پیامبر ﷺ از گناهان آمرزیده و از خطا و اشتباه مصون شدند^(۲).

با توجه به هر دو مبنای تشییع و تسنن در می‌یابیم که منظور از توبه در آیه مورد اشاره، بازگشت از گناه نمی‌باشد؛ زیرا رسول الله ﷺ دارای مقام عصمت هستند و از ایشان گناهی صادر نمی‌گردد. بنابر این استدلال به این آیه به دلیل نسبت دادن توبه به پیامبر ﷺ که البته معنای آن بازگشت از گناه هم نیست تام نخواهد بود.

در صورتی می‌توان به این آیه در رابطه با عدالت صحابه استدلال نمود که منظور از توبه، رجوع و بازگشت پیامبر ﷺ، مهاجرین و انصار از گناه باشد و خداوند متعال توبه آنان را بپذیرد و مورد رحمت قرار دهد؛ حال آنکه توبه در آیه فوق به معنای بازگشت از گناه نیست؛ زیرا همه مسلمانان به عصمت پیامبر ﷺ معترفند.

ب: در آستانه انحراف و گناه؛

با توجه به شأن نزول آیه می‌توان دریافت که منظور از توبه در آیه مورد استدلال، رجوع و بازگشت از گناه نمی‌باشد و این دومین نقد بر استدلال اهل سنت می‌باشد.

۱- سوره فتح، آیه ۲.

۲- تفسیر کبیر فخر رازی، جلد ۲۸ صفحه ۷۸۸.

همانطور که در جلسات گذشته بیان کردیم^(۱)، شأن نزول آیات فوق در مورد غزوه تبوک می‌باشد. در این جنگ تمام مردان به جز گروه اندکی به یاری رسول الله ﷺ شتافتند. این غزوه از سخت‌ترین و مشکل‌ترین جنگ‌های صدر اسلام به شمار می‌آید؛ زیرا در نهایت گرما و هنگام چیدن محصول خرما به وقوع پیوست. مسلمانان اگر به جنگ می‌رفتند محصول خرما را از بین می‌رفت و فاسد می‌شد و مجبور بودند که یک سال دیگر نیز با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم کنند. از طرف دیگر مسیر جنگ طولانی و صعب العبور بود. مسلمانان باید خود را به مرز شامات می‌رسانند و گرسنگی و تشنگی این سختی را مضاعف کرده بود. در تاریخ آمده است که هر ده نفر با یک خرما سدّ جوع می‌کردند^(۲).

شدت گرما و تشنگی به حدّی بود که وقتی ابوذر در آن بیابان خشک و گرم از سپاه پیامبر ﷺ جا ماند و به برکه‌آبی رسید مشک خود را پر از آب کرد و به عنوان هدیه خدمت رسول الله ﷺ آورد^(۳).

با توجه به مطالب بالا اگر دوباره به آیه ۱۱۷ سوره توبه دقت کنیم، روشن می‌گردد که منظور از توبه بازگشت از گناه نمی‌باشد. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید رحمت خود را شامل حال پیامبر ﷺ و مهاجران و انصار که در زمان عسرت و شدت در جنگ تبوک از پیامبر ﷺ پیروی کردند و او را یاری دادند، می‌نماید سپس می‌فرماید در آن لحظات سخت و صعب نزدیک بود گروهی بلغزند و منحرف شوند. ادامه آیه به این مطلب اشاره دارد.

۱- برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به جزوه‌های شماره ۳۷-۳۶.

۲- تفسیر کبیر فخر رازی، جلد ۱۶ صفحه ۲۲۰.

۳- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۶۷.

﴿ كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ﴾ .

نزدیک بود، دلهای گروهی از آنها از حق منحرف شود و از میدان جنگ بازگردند.

زیغ در لغت به معنای انحراف از راه حق و عدم استقامت و استواری در آن می‌باشد^(۱).

چیزی نمانده بود که گروهی گرفتار زیغ شوند اما لطف الهی شامل حال آنان شد و گرفتار گناه نشدند، آیا این به معنای گناه است؟! پاسخ روشن است؛ خیر، همانطور که فکر گناه، گناه نیست، نزدیک شدن به گناه نیز گناه نمی‌باشد و در این دو صورت توبه معنا ندارد بلکه بعد از ارتکاب گناه باید توبه کرد. با توضیحات فوق روشن شد که واژه توبه به معنای بازگشت از گناه و شمول لطف الهی نمی‌باشد تا از آن عدالت صحابه استنتاج شود.

ج: شمول لطف الهی؛

علاوه بر ادله فوق این نکته هم می‌توان اضافه کرد که در هیچ جای آیه سخن از گناه به میان نیامده است. توبه به معنای رجوع بنده به خداوند است اما در این آیه کاملاً بر عکس است و به معنای بازگشت و رجوع خداوند متعال به پیامبر ﷺ، انصار و مهاجرین می‌باشد و این معنا را می‌رساند که خداوند سبحان به آنان از سر لطف و رحمت نگاه کرد و آنان را مشمول الطاف خود قرار داد؛ زیرا در سخت‌ترین لحظات دست از یاری رسول الله ﷺ بر نداشتند. لطف الهی سبب شد که آنان تا آخرین لحظه با پیامبر ﷺ باشند و فرار نکنند و تکرار

۱- مفردات غریب القرآن، صفحه ۲۱۷.

واژه توبه در آیه، تکرار و استمرار در فیض، تجلی و عنایات حضرت حق است. همانطور که بیان کردیم گروه اندکی حاضر به همراهی با مسلمانان نشدند اما لطف خداوند متعال آن قدر وسیع بود که شامل این گروه اندک نیز شد. خداوند سبحان در رابطه با این گروه می‌فرماید:

﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^(۱).

و (همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) باز ماندند (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد، (حتی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند، (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست، سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود و (به آنان توفیق داد) تا توبه کنند، خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

آری اگر لطف حق یار شود به چشم بر هم زدنی فرد دگرگون شود^(۲).

احتمالاتی دیگر در تفسیر آیه؛

برخی از مفسرین اهل سنت در رابطه با آیه ۱۱۷ سوره توبه احتمالاتی

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۸.

۲- داستان فضیل عیاض، نمونه روشنی می‌باشد، راهزنی که نامش لرزه بر اندام می‌انداخت با شنیدن آیه‌ای از قرآن منقلب شد و توبه کرد و از زهد و عباد عصر خود گردید، تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۸ صفحه ۳۸۲.

داده‌اند، که برخی از آنها مقرون به صحت نمی‌باشد.

۱- گروهی بر این نظراند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مهاجرین و انصار مرتکب گناه نشدند؛ زیرا همه آنان در غزوه تبوک حاضر شدند. تنها سه نفری که در جنگ شرکت نکردند مرتکب گناه شدند. آنها هم بعدها توبه کردند و خداوند متعال توبه آنان را پذیرفت. خداوند سبحان هم برای اینکه این سه نفر احساس حقارت و شرمندگی نکنند نام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تشریفاً ذکر می‌کند و و این سه نفر را هم ردیف مهاجرین و انصار قرار می‌دهد^(۱).

۲- گروهی معتقدند هر انسانی در طول حیات خود مرتکب گناه می‌شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از این امر مستثنی نمی‌باشند. اما منظور از گناه در مورد ایشان ارتکاب معصیت و نافرمانی نیست بلکه به معنای ترک اولی و افضل می‌باشد^(۲). در نقد این نظر می‌گوییم ترک اولی و افضل در مورد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محال است. اگر دو کار مساوی برای رسیدن به مقصود و رضای الهی در برابر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار بگیرد و یکی سهل و دیگری سخت باشد قطعاً رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روش دشوار را انتخاب خواهند کرد. خداوند متعال به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

﴿ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴾^(۳).

ما قرآن را به تو نازل نکردیم که به زحمت آفتی.

در روایتی امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند:

۱- تفسیر کبیر فخر رازی، جلد ۱۶ صفحه ۲۲۲.

۲- تفسیر کبیر فخر رازی، جلد ۱۶ صفحه ۲۱۹.

۳- سوره طه، آیه ۲.

«کان رسول الله ﷺ عند عائشة ليلتها، فقالت: يا رسول الله ﷺ! لم تتعب نفسك وقد غفر الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر؟ فقال ﷺ: يا عائشة ألا أكون عبداً شكوراً؟»^(۱).

شبی رسول الله ﷺ نزد عایشه بودند، عایشه به پیامبر ﷺ عرض نمود: «چرا خود را این قدر به زحمت می اندازید و عبادت می کنید، مگر خداوند نفرموده است که گناهان گذشته و آینده تو را بخشیدیم؟» پیامبر ﷺ فرمودند: ای عایشه! آیا بنده ای سپاسگذار نباشم؟

شرط ورود منافقان به بهشت؛

حال بنا را بر این می گذاریم که نام مبارک رسول الله ﷺ تشریفاً ذکر شده است و توبه به معنای رجوع از گناه است، و مهاجرین و انصار از گناهان خود توبه کرده اند و مشمول لطف حق قرار گرفته اند ولی این نکته هنوز باقی است؛ همانطور که به نقل از امیرالمؤمنین عليه السلام بیان کردیم یکی از شرایط مهم توبه، عدم بازگشت و عدم تکرار گناه است. خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾^(۲).

۱- کافی، جلد ۲ صفحه ۹۵، از منابع اهل سنت بنگرید به مسند احمد، جلد ۴ صفحه ۴۵۱ (با اندکی تفاوت).

۲- سوره نساء، آیه ۳۱.

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم، و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم. از طرف دیگر، پذیرفتنی نیست که بگوییم تمام مهاجرین و انصاری که در جنگ تبوک شرکت کرده بودند عادل‌اند؛ زیرا برخی از آنان در بازگشت از جنگ قصد ترور رسول الله ﷺ را داشتند و عمّار و حذیفه آنان را شناسایی کردند. این واقعه را که به عقبه تبوک معروف شد اهل سنت در کتب خود نگاشته‌اند^(۱). در تأیید این نظر که نمی‌توان قائل به عدالت همه مهاجرین و انصار شد، روایتی را از منابع اهل سنت نقل می‌کنیم؛

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

« في أصحابي إثنا عشر منافقاً فيهم ثمانية لا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سمّ الخياط »^(۲).

دوازده نفر از اصحابم منافق هستند که هشت نفر آنان هنگامی وارد بهشت می‌شوند که شتر از سوراخ سوزن عبور کند. (کنایه از امتناع ورود آنها به بهشت)

نظریه پردازان عدالت صحابه با این دست از روایات چه می‌کنند؟ و چگونه می‌خواهند عدالت صحابه را ثابت کنند؟ آنان تنها دو راه پیش روی خود دارند؛ دست از تفسیر به رأی قرآن کریم بردارند، و روایات کتب صحیح خود را

۱- مغازی، جلد ۲ صفحه ۱۰۶۲، البداية والنهاية، جلد ۵ صفحه ۲۴.

۲- صحیح مسلم، جلد ۸ صفحه ۱۲۲، مسند احمد، جلد ۵ صفحه ۳۹۰ و سنن الکبری، جلد ۸ صفحه ۱۹۸.

بپذیرند و نظریهٔ عدالت جمیع صحابه را باطل اعلام کنند؛ و یا اینکه، بر نظر نادرست خود پا فشاری کنند و دست از کتب صحاح خود بردارند.

نفرین شدگان خدا و رسول الله ﷺ؛

پرسش دیگر از اهل سنت این است که آیا کسانی که خداوند متعال و رسول الله ﷺ آنان را لعن و نفرین کرده‌اند می‌توانند عادل باشند؟ بی‌گمان عقل سلیم به این پرسش پاسخ منفی می‌دهد.

برای پاسخ به این پرسش که رسول الله ﷺ چه کسی را لعن و نفرین کرده است به روایتی که اهل سنت نقل کرده‌اند اشاره می‌کنیم.

«وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ؛ فَاتَّهَا سَيِّدَةُ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي وَهِيَ ثَمْرَةٌ فُؤَادِي وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَهِيَ الْحَوَارِيُّ الْأَنْسِيَّةُ مِنِّي؛

و اما دخترم فاطمه، اوست بزرگ و خانم زنان هر دو جهان از نخستین تا آخرین، او پارهٔ تن من است و نور چشم من و میوهٔ قلب من و روحی که در بردارم است و او حورا و مونس من است.

قامت في محرابها بين يدي ربِّها جلَّ جلاله، ظهر نورها لملائكة السماء كما يظهر نور الكواكب لأهل الأرض؛

[وقتی که] در محرابش در برابر پروردگار به عبادت بر می‌خیزد، بر فرشتگان آسمان نور افشانی می‌کنند همچنان که ستارگان بر اهل

زمین نور افشانی می کنند.

ويقول الله عزوجل لملائكة « يا ملائكتي! انظروا إلى أمتي فاطمة سيّدة
إمائي قائمة بين يدي ترتعد فرائصها من خيفتي وقد أقبلت بقلبها على
عبادتي أشهدكم إنّي قد آمنت شيعتها من النار؛

و خداوند متعال به فرشتگانش می گوید: ای فرشتگانم بنگرید به بنده
من فاطمه، بهترین بنده من، در برابر من ایستاده و تمام بندبند بدنش
از ترس من می لرزد و با تمام وجود (قلب) مرا عبادت می کند، شما را
گواه می گیرم که پیروان او از آتش ایمن خواهند بود.

وإنّي لثمّ رأيتها ذكرت ما يصنع بها بعدي، كآتي بها وقد دخل الذلّ بيتها
وانتهكت حرمتها وغصبت حقّها ومنعت إرثها وكسر جنبها وأسقطت
جنينها؛

و من هنگامی که او را دیدم یاد آوردم آنچه که پس از من با او می کنند،
گو اینکه همراه با او هستم که ذلت داخل خانه او می شود و حریم او را
می درند و حق او را غصب می کنند و او را از دست یافتن به ارش
محروم می کنند، پهلوی او را می شکنند و جنین او را سقط می کنند.

وهي تنادي يا محمداه! فلا تجاب و تستغيث فلا تستغاث فلا تزال بعدي
محزونة مكروبة باكية تتذكر انقطاع الوحي عن بيتها مرّة وتتذكر فراق
أخرى؛

و او فریاد می زند و امّ محمد! [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] و پاسخی نمی شنود و فریاد رس

می طلبد و نمی یابد و همچنان پس از من غمگین، افسرده و گریان خواهد بود، گاهی قطع شدن وحی از خانه خود را به یاد می آورد و گاهی فراق مرا به یاد می آورد.

وتستوحش إذا جثها الليل لفقده صوتي الذي كانت تستمع اليه إذا تهجدت بالقرآن ثم ترى نفسها ذليلة بعد أن كانت في أيام أبيها عزيزة؛ و هنگامی که شب فرا می رسد احساس ترس و وحشت می کند؛ زیرا صدایم را هنگام تلاوت قرآن نمی شنود، پس خود را خوار می بیند پس از آنکه در روزگار حیات پدر عزیز بود.

فعند ذلك يونسها الله تعالى ذكره بالملائكة فنادت بها بما نادت به مريم بنت عمران فتقول يا فاطمة! إن الله اصطفاك وطهرتك واصطفاك على نساء العالمين، يا فاطمة! اقنتي لربك واسجدي وارکعي مع الراکعين؛ آن هنگام خداوند او را با فرشتگان مأنوس می کند و آنان، آنگونه که مریم دختر عمران را مخاطب قرار دادند به فاطمه می گویند: به درستی که خدا تو را برگزید و پاک ساخته و تو را بر تمام زنان جهان برتری داده است، ای فاطمه برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع کنندگان، رکوع کن.

ثم يبتدي بها الوجع فتمرض فيبعث الله عزوجل إليها مريم بنت عمران تمرضها وتونسها في علتها؛

آنگاه درد او آغاز می شود و بیمار می گردد و خداوند متعال مریم دختر

عمران را نزد او می فرستد تا از او پرستاری کند و مونس او باشد در بیماری.

فتقول عند ذلك يا رب! إني قد سئمت الحياة و تيرمت بأهل الدنيا فألحقني بأبي فيلحقها الله عز وجل بي فتكون أول من يلحقني من أهل بيتي؛

آنگاه فاطمه می گوید: خداوندا! من از زندگی خسته شدم و از اهل دنیا دل زده، مرا به پدرم ملحق کن، سپس خداوند او را به من ملحق می کند و او نخستین فرد از اهل بیتم می باشد که به من ملحق می شود. فتقدم عليّ محزونة مكروبة مغمومة مغصوبة مقتولة فأقول عند ذلك: اللهم العن من ظلمها وعاقب من غصبها وذل من أذلها وخذل في نارك من ضرب جنبها حتى ألتقت ولدها فتقول الملائكة عند ذلك آمين»^(۱).

به سوی من می آید در حالی که محزون، افسرده، غمگین، غصب شده و کشته شده می باشد، آن هنگام می گویم خداوندا! لعنت کن ستم کنندگان او را و کیفر کن غاصبان حقش را، و خوار گردان، خوار کنندگان او را، و در آتش جاودانه قرار ده کسی که به پهلوی او ضربه زد و موجب سقط فرزندش شد و سپس تمام فرشتگان آمین می گویند.

۱- امالی شیخ صدوق رحمته الله، مجلس ۲۴، از منابع اهل سنت بنگرید به فرائد السمطين، جلد ۲ صفحه ۳۴. جالب آنکه مؤلف کتاب فرائد السمطين علامه جوینی از منطقه جویین نزدیک به سبزوار می باشد، اهل این منطقه در زمان مؤلف همه اهل تسنن بودند با این وجود چنین روایتی نقل کرده است.

تأمل در روایت فوق بسیار راه گشا می‌باشد و نفرین شدگان رسول
الله ﷺ را به خوبی معرفی می‌کند. آیا باز هم می‌توان قائل به عدالت برخی از
صحابه شد؟!

انشاء الله خداوند متعال دست ما را از دامن اهل بیت علیهم السلام در دنیا و آخرت
کوتاه نفرماید.

« والسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی؛

- ① قائلین عدالت صحابه، چگونه با آیه ۱۱۷ سوره توبه نظر خود را اثبات می‌کنند؟
- ② معنای توبه چیست و دو شرط آن کدام است؟
- ③ عوارض و آثار گناه با توجه به بیان امام سجّاد علیه السلام چیست؟
- ④ امیرالمؤمنین علیه السلام شرایط شش گانه استغفار را چه می‌دانند؟
- ⑤ با توجه به عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استدلال اهل سنت را نقد کنید.
- ⑥ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرتکب ترک اولی می‌شوند؟ چرا؟
- ⑦ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه در مورد دعا و شب زنده داری خود چه فرمودند؟
- ⑧ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه تعداد از اصحاب خود را منافق می‌دانند و شرط ورود آنان به بهشت چه می‌باشد؟
- ⑨ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت زهرا علیها السلام را چگونه معرفی می‌کنند؟
- ⑩ بر اساس روایت کتب اهل سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد مخالفان، دشمنان، غاصبان، ضاربان حضرت زهرا علیها السلام چه می‌فرماید؟
- ⑪ بر اساس این روایت حضرت زهرا علیها السلام چگونه به پدرشان ملحق می‌شوند؟

نظریه پردازان عدالت صحابه با این دست از روایات چه می‌کنند؟ و چگونه می‌خواهند عدالت صحابه را ثابت کنند؟ آنان تنها دو راه پیش روی خود دارند؛ دست از تفسیر به رأی قرآن کریم بردارند، و روایات کتب صحیح خود را بپذیرند و نظریه عدالت جمیع صحابه را باطل اعلام کنند؛ و یا اینکه، بر نظر نادرست خود پا فشاری کنند و دست از کتب صحاح خود بردارند. (صفحه ۱۷ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۴۳

۲۵